



قوه قضائیه

# قراردادهای تأمین و نظارت قضایی

در

در قانون و رویه قضایی

معاونت منابع انسانی و امور فرهنگی دادگستری استان تهران

## نشانه‌های اختصاری

ا.ح.ق: اداره کل حقوقی قوه قضاییه

ق.ا: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

ق.آ.د.ک ۱۳۹۲: قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

ق.آ.د.ک ۱۳۷۸: قانون آیین دادرسی کیفری (قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و

انقلاب در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸

ق.آ.د.م ۱۳۷۹: قانون آیین دادرسی مدنی (قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و

انقلاب در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹

ق.م.ا ۱۳۹۲: قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

ق.م.ا ۱۳۷۵: قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

|     |                                           |
|-----|-------------------------------------------|
| ۹   | مقدمه                                     |
| ۱۰  | فصل هفتم - قراردادهای تأمین و نظارت قضایی |
| ۱۰  | ماده ۲۱۷                                  |
| ۴۲  | ماده ۲۱۸                                  |
| ۵۷  | ماده ۲۱۹                                  |
| ۸۰  | ماده ۲۲۰                                  |
| ۸۷  | ماده ۲۲۱                                  |
| ۱۰۳ | ماده ۲۲۲                                  |
| ۱۰۹ | ماده ۲۲۳                                  |
| ۱۲۳ | ماده ۲۲۴                                  |
| ۱۳۱ | ماده ۲۲۵                                  |
| ۱۳۸ | ماده ۲۲۶                                  |
| ۱۵۵ | ماده ۲۲۷                                  |
| ۱۵۶ | ماده ۲۲۸                                  |
| ۱۶۹ | ماده ۲۲۹                                  |
| ۱۷۸ | ماده ۲۳۰                                  |
| ۲۰۶ | ماده ۲۳۱                                  |
| ۲۱۳ | ماده ۲۳۲                                  |
| ۲۲۲ | ماده ۲۳۳                                  |
| ۲۳۳ | ماده ۲۳۴                                  |
| ۲۴۳ | ماده ۲۳۵                                  |
| ۲۶۳ | ماده ۲۳۶                                  |
| ۲۸۱ | ماده ۲۳۷                                  |
| ۳۰۳ | ماده ۲۳۸                                  |

|           |          |
|-----------|----------|
| ۳۱۳ ..... | ماده ۲۳۹ |
| ۳۱۸ ..... | ماده ۲۴۰ |
| ۳۳۳ ..... | ماده ۲۴۱ |
| ۳۴۴ ..... | ماده ۲۴۲ |
| ۳۷۳ ..... | ماده ۲۴۳ |
| ۳۸۲ ..... | ماده ۲۴۴ |
| ۳۹۳ ..... | ماده ۲۴۵ |
| ۳۹۶ ..... | ماده ۲۴۶ |
| ۴۰۷ ..... | ماده ۲۴۷ |
| ۴۲۸ ..... | ماده ۲۴۸ |
| ۴۴۱ ..... | ماده ۲۴۹ |
| ۴۴۲ ..... | ماده ۲۵۰ |
| ۴۵۱ ..... | ماده ۲۵۱ |
| ۴۷۱ ..... | ماده ۲۵۲ |
| ۴۸۰ ..... | ماده ۲۵۳ |
| ۴۸۳ ..... | ماده ۲۵۴ |
| ۴۸۷ ..... | ماده ۲۵۵ |
| ۵۰۳ ..... | ماده ۲۵۶ |
| ۵۰۷ ..... | ماده ۲۵۷ |
| ۵۱۴ ..... | ماده ۲۵۸ |
| ۵۱۸ ..... | ماده ۲۵۹ |
| ۵۲۷ ..... | ماده ۲۶۰ |
| ۵۳۱ ..... | ماده ۲۶۱ |

#### فصل هشتم- اقدامات بازپرس و دادستان پس از ختم تحقیقات ..... ۵۳۹

|           |          |
|-----------|----------|
| ۵۳۹ ..... | ماده ۲۶۲ |
| ۵۵۵ ..... | ماده ۲۶۳ |
| ۵۶۱ ..... | ماده ۲۶۴ |
| ۵۶۶ ..... | ماده ۲۶۵ |
| ۵۸۷ ..... | ماده ۲۶۶ |
| ۵۹۵ ..... | ماده ۲۶۷ |

|               |          |
|---------------|----------|
| ماده ۲۶۸..... | ۶۰۹..... |
| ماده ۲۶۹..... | ۶۱۵..... |
| ماده ۲۷۰..... | ۶۲۴..... |
| ماده ۲۷۱..... | ۶۴۱..... |
| ماده ۲۷۲..... | ۶۵۱..... |
| ماده ۲۷۳..... | ۶۶۰..... |
| ماده ۲۷۴..... | ۶۶۹..... |
| ماده ۲۷۵..... | ۶۷۹..... |
| ماده ۲۷۶..... | ۶۸۳..... |
| ماده ۲۷۷..... | ۶۹۶..... |
| ماده ۲۷۸..... | ۷۰۰..... |
| ماده ۲۷۹..... | ۷۱۸..... |
| ماده ۲۸۰..... | ۷۲۸..... |
| ماده ۲۸۱..... | ۷۳۶..... |
| ماده ۲۸۲..... | ۷۳۷..... |
| ماده ۲۸۳..... | ۷۴۳..... |
| ماده ۲۸۴..... | ۷۵۳..... |

#### فصل نهم- تحقیقات مقدماتی جرایم اطفال و نوجوانان..... ۷۵۶

|               |          |
|---------------|----------|
| ماده ۲۸۵..... | ۷۵۶..... |
| ماده ۲۸۶..... | ۷۷۹..... |
| ماده ۲۸۷..... | ۷۹۵..... |

#### فصل دهم- وظایف و اختیارات دادستان کل کشور..... ۸۱۳

|               |          |
|---------------|----------|
| ماده ۲۸۸..... | ۸۱۳..... |
| ماده ۲۸۹..... | ۸۲۲..... |
| ماده ۲۹۰..... | ۸۲۶..... |
| ماده ۲۹۱..... | ۸۳۵..... |
| ماده ۲۹۲..... | ۸۴۰..... |
| ماده ۲۹۳..... | ۸۴۵..... |

#### فهرست منابع..... ۸۵۱

## مقدمه

قانون آیین دادرسی کیفری نخستین بار با عنوان «قانون محاکمات جزائی» مشتمل بر ۶۰۵ ماده در ۱۱/۰۶/۱۲۹۰ به تصویب کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی رسید. این قانون که به «قانون آیین دادرسی کیفری» شهرت داشت، تا زمان تصویب «قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری» در سال ۱۳۷۸ اعتبار داشت. فصل هفتم از بخش دوم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تحت عنوان «قرارهای تأمین و نظارت قضایی» در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ چنین بود: «در اقداماتی که برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم به عمل می‌آید» و در قانون سال ۱۳۷۸ عنوان مزبور به «قرار تأمین» تغییر یافت و اینک عنوان «نظارت قضایی» نیز به آن افزوده شده و موادی نیز به عنوان اخیر اختصاص یافته است.

باری، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که از سال ۱۳۹۴ در کشور به موقع اجرا گذاشته شده و دربردارنده ... و شرح و توضیح مواد ۲۱۷ تا ۲۹۳ این قانون که به «قرارهای تأمین و نظارت قضایی» اختصاص یافته است، افزون بر این که در ذیل هر ماده پیشینه قانون‌گذاری و دکترین آن ذکر شده و قوانین، آیین‌نامه‌ها، رویه قضایی، حقوق تطبیقی، بخشنامه‌های رئیس محترم قوه قضاییه و نظریات اداره کل حقوقی قوه قضاییه نیز بیان گردیده است. در پایان، ضمن تقدیر از نگارنده محترم که از همکاران ارجمند پژوهش و انتشارات دادگستری استان تهران که در نگاشتن و چاپ این اثر همت گذاشته، از جامعه حقوقی انتظار می‌رود نقایص موجود را به دیده اغماض نگریسته و ما را از تجربه‌های ارزنده خود بی نصیب نگذارند.

دکتر سید رضا سجودی

معاون منابع انسانی و امور فرهنگی دادگستری کل استان تهران

## فصل هفتم - قرارهای تأمین و نظارت قضایی

ماده ۲۱۷- به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می‌کند:

الف- التزام به حضور با قول شرف

ب- التزام به حضور با تعیین وجه التزام

پ- التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف

ت- التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام

ث- التزام به معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام

ج- التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام، با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط

چ- التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات

ح- اخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله

خ- اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول

د- بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی

تبصره ۱- در صورت امتناع متهم از پذیرش قرار تأمین مندرج در بند (الف)، قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام صادر و در صورت امتناع از پذیرش قرارهای مندرج در بندهای (ب)، (پ)، (ت) و (ث) قرار

کفالت صادر می‌شود.

تبصره ۲- در مورد بندهای (پ) و (ت)، خروج از حوزه قضایی با اجازه قاضی ممکن است.

تبصره ۳- در جرایم غیر عمدی در صورتی که به تشخیص مقام قضایی تضمین حقوق بزه‌دیده به طریق دیگر امکان‌پذیر باشد، صدور قرار کفالت و وثیقه جایز نیست.

### پیشینه قانون‌گذاری

- ماده ۱۲۹ اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۲۹۰: برای جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم، بازپرس می‌تواند یکی از قرارهای ذیل را صادر نماید:

۱- التزام عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف.

۲- التزام عدم خروج با تعیین وجه التزام تا ختم محاکمه و اجرای حکم.

۳- اخذ کفیل، در صورتی که متهم تقاضا نماید به جای کفیل وجه نقد یا مال منقول بدهد، بازپرس مکلف به قبول آن است.

۴- اخذ وثیقه (وثیقه اعم است از وجه نقد و مال منقول یا غیرمنقول).

۵- توقیف احتیاطی با رعایت شرایط مقرر در ماده ۱۳۰ مکرر.

- ماده ۱۳۲ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۷۸: به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن یا تبانی با دیگری، قاضی مکلف است پس از تفهیم اتهام به وی یکی از قرارهای تأمین کیفری زیر را صادر نماید:

۱- التزام به حضور با قول شرف.

۲- التزام به حضور با تعیین وجه التزام تا ختم محاکمه و اجرای حکم و در صورت استنکاف تبدیل به وجه الکفاله.

۳- اخذ کفیل با وجه الکفاله.

۴- اخذ وثیقه اعم از وجه نقد یا ضمانت نامه بانکی یا مال منقول و غیرمنقول.

۵- بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر در این قانون.

- از ماده ۱۹ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۷۸: ... ضابطین دادگستری حق اخذ تأمین از متهم را ندارند.

## قوانین و مقررات مرتبط

- مواد ۷۳۴ تا ۷۵۱ قانون مدنی

- مواد ۴۱، ۲۱۸ تا ۲۶۰، ۲۸۷، ۶۱۸، ۶۱۹ و ۶۹۰ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲

- تبصره ۲ ماده ۴۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: در مورد سایر جرائم مقرر به استثنای ماده (۲۱) این قانون، در صورتی که بیم اختفای ادله، فرار متهم یا تبانی باشد و همچنین در پرونده‌هایی با ارزش بالای قاچاق مکشوفه بالای یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، صدور قرار وثیقه متناسب با مجازات مقرر الزامی است.

- ماده ۴۹ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵/۰۲/۲۰: مراجع قضائی مکلفند در دعاوی مربوط به حوادث رانندگی، در صورت وجود بیمه‌نامه معتبر و مکفی و احراز اصالت آن، صرفاً متناسب با جنبه عمومی جرم برای راننده مسبب حادثه قرار تأمین صادر کنند.

- ماده ۱۸ قانون صدور چک، مصوب ۱۳۵۵/۰۴/۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی: (اصلاحی ۱۳۸۲/۶/۲) مرجع رسیدگی کننده جرائم مربوط به چک بلامحل، از متهمان در صورت توجه اتهام طبق ضوابط مقرر در ماده ۱۳۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) - مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی - حسب مورد یکی از قرارهای تأمین کفالت یا وثیقه (اعم از وجه نقد یا ضمانت نامه بانکی یا مال منقول و غیرمنقول) اخذ می‌نماید.

- ماده ۷ دستورالعمل ساماندهی و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها

**مصوب ۱۳۹۵/۰۶/۱۷ رئیس قوه قضاییه:** در جرایم ناشی از تخلفات رانندگی، چنانچه خودرو مقصر حادثه دارای بیمهنامه باشد، قضات رسیدگیکننده برابر ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و تبصره ۳ ماده ۲۱۷ قانون مزبور و ماده ۴۹ قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه، مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰، با لحاظ مبلغ قابل پرداخت از سوی بیمه و جنبه عمومی جرم قرار تأمین متناسب را صادر نمایند.

**ماده ۱۷ دستورالعمل ساماندهی و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها - مصوب ۱۳۹۵/۰۶/۱۷ رئیس قوه قضاییه:** تأمین لازم جهت اعطای مرخصی به زندانیان، همان تأمینات مندرج در ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری است. در مورد محکومیت‌های درجه ۷ و درجه ۸ و افرادی که باقیمانده محکومیت آن‌ها کمتر از ۴ ماه است، همچنین افرادی که اطمینان به بازگشت آنان وجود دارد با تشخیص قاضی اجرای احکام با صدور یکی از قرارهای بندهای الف، ب، پ، ت، ث، ج و چ ماده مزبور نسبت به اعطای مرخصی در چارچوب قوانین و مقررات اقدام میشود.

## دکترین

تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی: این تضمین به‌عنوان یکی از جهات صدور قرار تأمین در دو قانون ۱۲۹۰ و ۱۳۷۸ تصریح نشده بود. همچنین در ق.آ.د.ک ۱۲۹۰ به‌جای «بازداشت موقت» از عنوان «توقیف احتیاطی» استفاده شده بود. در واقع الزامی یا اختیاری بودن اخذ تأمین پس از تفهیم اتهام: در ماده ۱۲۹ ق.آ.د.ک ۱۲۹۰ (اصلاحی ۱۳۳۵/۱۱/۳۰) آمده بود: «بازپرس می‌تواند یکی از قرارهای تأمین ذیل را صادر نماید...». در ماده ۱۳۲ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ مقرر شد که «قاضی مکلف است پس از تفهیم اتهام به وی یکی از قرارهای تأمین کیفری زیر را صادر نماید...». این تغییر عبارتی موجب شد اختلاف‌نظرهای فراوانی درباره اجباری بودن یا نبودن صدور قرار تأمین پس از تفهیم اتهام، بین حقوق‌دانان ایجاد شود.<sup>۱</sup> در

۱- از جمله ر.ک: آخوندی، محمود؛ آیین دادرسی کیفری، دفتر چهارم، دوراندیشان، چاپ چهارم، بهار

قانون فعلی قانون‌گذار بدون آنکه از هیچ‌یک از عبارتهای «می‌تواند» و «مکلف است» استفاده نماید، لحن ماده را از «امری» به «خبری» تغییر داده و عبارت «در صورت وجود دلایل کافی» را به متن ماده کنونی افزوده و بدین ترتیب به مناقشات که سابقاً در این باره وجود داشت خاتمه داده است. از سویی، احیای مجدد قرار التزام به عدم خروج از حوزه قضایی: قرار التزام به عدم خروج از حوزه قضایی، در ماده ۱۲۹ ق.آ.د.ک ۱۲۹۰ وجود داشت و در ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ حذف شده بود و در قانون فعلی مجدداً احیا شده است. این قرار تأمین اگرچه علی‌الظاهر خفیف‌تر از قرار کفالت و وثیقه می‌باشد لکن در عمل دشواری بیشتری برای متهم ایجاد می‌کند و تعهد سنگینی بر عهده او می‌نهد. لازم به ذکر است که ماده‌های ۱۲۸ و ۱۳۵ ق.آ.د.ک ۱۲۹۰ (اصلاحی ۱۳۱۱/۰۳/۱۰) یک اختیار کلی نیز برای نظارت بر رفت‌وآمد متهم حتی بعد از صدور قرار قبولی کفالت و وثیقه، به قاضی داده بود. همچنین مطابق تبصره ۱ ماده ۱۲۹ ق.آ.د.ک ۱۲۹۰ (الحاقی ۱۳۳۵/۱۱/۳۰)، «در مواردی که خروج متهم باید با اجازه بازپرس یا دادستان باشد، در صورت عدم موافقت آن‌ها متهم می‌تواند به دادگاه شهرستان شکایت کند و هرگاه دادگاه تقاضای متهم را موجه دید، می‌تواند اجازه خروج بدهد». با توجه به احیای قرار التزام به عدم خروج از حوزه قضایی در قانون جدید، لازم بود که این تبصره نیز احیا شود. گفتنی است، قرارهای مندرج در بندهای (ت)، (ث)، (ج) و (چ) ماده ۲۱۷ کاملاً جدید است. برای آگاهی از شیوه اجرای قرارهای نظارت و بندهای (ج) و (چ) ماده ۲۱۷ این قانون رک: آیین‌نامه اجرایی مندرج در پاورقی ذیل ماده ۲۵۲ همین قانون. از همین روی، واژه «التزام» به معنای بر عهده گرفتن ارادی امری است. لذا قید «با موافقت متهم» در بندهای (ج) و (چ) زائد به نظر می‌رسد. در حقیقت، صورت امتناع متهم از پذیرش قرارهای تأمین مندرج در بندهای (ج) و (چ) نیز اصولاً راهی جز صدور قرار کفالت باقی نمی‌ماند. همچنین ذکر دو عبارت «به تشخیص مقام قضایی» و «جایز نیست» در تبصره ۳ ماده ۲۱۷ متعارض به نظر می‌رسند. همچنین حکم مندرج در قسمت

اخیر ماده ۲۱۹ وافی به مقصود است و تبصره ۳ ماده ۲۱۷ زائد به نظر می‌رسد. نا گفته نماند، تبدیل قرار التزام به کفالت بر اساس تبصره ۱ از مصادیق تشدید تأمین و قابل اعتراض از سوی متهم به نظر نمی‌رسد.<sup>۱</sup> به بیان دیگر، درخصوص این که آیا مراجع غیرقضایی نظیر شعب سازمان تعزیرات حکومتی، مجاز به صدور قرار تأمین کیفری هستند یا نه، در قانون آیین دادرسی کیفری مطلبی نیامده است. سابقاً اداره کل امور حقوقی قوه قضاییه در نظریات مشورتی متعدد، این کار را جایز نمی‌دانست، اما در حال حاضر با توجه به مقررات مواد ۴۱، ۴۴ و ۵۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳،<sup>۲</sup> به نظر می‌رسد که شعب سازمان تعزیرات حکومتی نیز درخصوص جرائم موضوع قانون مذکور، حق اخذ تأمین از متهمان را دارند و بلکه مکلف به این اقدام هستند. باری، هدف از صدور قرار تأمین، حضور به موقع متهم، حفظ حقوق شاکی و حفظ آرامش جامعه از باب عکس‌العمل مناسب در قبال رفتار مجرمانه است.<sup>۳</sup> در واقع قرار وثیقه، تأمین نسبتاً شدیدی است. در این قرار دو عمل متفاوت قضایی انجام می‌گیرد یکی صدور قرار اخذ وثیقه که یک ایقاع قضایی است و اراده متهم در تحقق آن شرط نیست و دیگری صدور قرار قبولی وثیقه که یک نوع

---

۱- برای ملاحظه نظر مخالف رک: خالقی، علی؛ نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، شهر دانش، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۸، ص ۲۶۹.

۲- ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: «رسیدگی به جرائم قاچاق کالا و ارز سازمان یافته و حرفه‌ای، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است. سایر پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، تخلف محسوب و رسیدگی به آن در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است ...».

تبصره ۲ ماده ۴۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: «در مورد سایر جرایم مقرر به استثنای ماده (۲۱) این قانون، در صورتی که بیم اختفای ادله، فرار متهم یا تبانی باشد و همچنین در پرونده‌هایی با ارزش کالای قاچاق مکشوفه بالای یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، صدور قرار وثیقه متناسب با مجازات مقرر الزامی است».

ماده ۵۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: «در کلیه مواردی که شرایط و ضوابط دادرسی در این قانون پیشبینی نشده است، مطابق قانون آیین دادرسی کیفری رفتار میشود».

۳- مهابادی، علی‌اصغر؛ آیین دادرسی کیفری کاربردی، دوراندیشان، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۳، ص ۱۵۲.

عقد است.<sup>۱</sup> همچنین قرارهای تأمین کیفری حصری است؛ بنابراین بازپرس نمی‌تواند جز قرارهایی که در قانون پیش‌بینی شده، از متهم تأمین دیگری بگیرد.<sup>۲</sup> باری قرارهای تأمین کیفری، علاوه بر حصری بودن، مانعه‌الجمع نیز هستند و نمی‌توان در مورد یک اتهام، هم‌زمان دو قرار تأمین صادر نمود.<sup>۳</sup> از منظری دیگر قرار «التزام به عدم خروج از حوزه قضایی» وسیله‌ای است برای حفظ دسترسی به متهم. صدور این قرار در هنگام تصویب ق.آ.د.ک ۱۲۹۰ با توجه به وسایل حمل و نقل آن زمان قابل توجیه بود. ولی در حال حاضر، پیش‌بینی این قرار توجیهی ندارد.<sup>۴</sup> با این حال صدور قرار «التزام به حضور» در خصوص جرائمی که تنها مجازات آن‌ها انفصال از خدمت است، مناسب نیست.<sup>۵</sup> از سوی دیگر، صدور قرار التزام (به حضور یا عدم خروج از حوزه قضایی) با قول شرف در جرایم سبک و بویژه در مورد متهمانی مناسب است که از فرهنگ اجتماعی پیشرفته‌ای برخوردارند و به قول و شرف خود ارزش می‌نهند.<sup>۶</sup> با این حال قید «رسمی» (اعم از قطعی یا آزمایشی) در بند (ج)، مانع از امکان صدور این قرار در مورد متهمانی است که به‌صورت پیمانی یا قراردادی یا خرید خدمت یا عناوین مشابه دیگر، مشغول به کار در سازمان‌های مذکور در این بند هستند.<sup>۷</sup> تعهد سازمان محل خدمت متهم به پرداخت وجه التزام (موضوع بند ج) موجب نمی‌شود

۱- آخوندی، محمود؛ آیین دادرسی کیفری، دفتر دوم، دوراندیشان، چاپ چهاردهم، بهار ۱۳۹۴، ص ۲۶۷.  
 ۲- آخوندی، محمود؛ آیین دادرسی کیفری، دفتر دوم، پیشین، ص ۲۵۸؛ زراعت، عباس، حاجی‌زاده، حمیدرضا و متولی جعفرآبادی، یاسر؛ قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوقی کنونی، خط سوم، چاپ ششم، ۱۳۹۱، ص ۴۱۸؛ جوانمرد، بهروز؛ فرآیند دادرسی کیفری، جلد اول، جنگل، ۱۳۹۳، ص ۳۰۷ و الهی‌منش، محمدرضا و رحیمی، محمد مهدی؛ آیین دادرسی کیفری، ج ۱، مجد، چاپ دوم، ۱۳۹۴، ص ۴۰۹.

۳- آشوری، محمد؛ آیین دادرسی کیفری، جلد دوم (ویراست چهارم)، سمت، چاپ دوازدهم، پاییز ۱۳۸۹، ص ۲۶۹ و خالقی، علی؛ نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری، پیشین، ص ۲۷۳.

۴- خالقی، علی؛ نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، پیشین، ص ۲۶۹.

۵- خالقی، علی؛ نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، پیشین، ص ۲۷۰.

۶- آخوندی، محمود؛ آیین دادرسی کیفری، دفتر دوم، پیشین، ص ۲۶۰ و خالقی، علی؛ آیین دادرسی کیفری، پیشین، ص ۲۰۸.

۷- خالقی، علی؛ نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، پیشین، ص ۲۷۰.

که اداره مزبور به عنوان کفیل شناخته شود. ضمناً پرداخت وجه التزام در صورت تخلف، بدواً بر عهده متهم است و باید به طور یکجا پرداخت کند. در صورت عدم توفیق در وصول وجه التزام از متهم، دادستان باید وجه التزام را از سازمان متعهد مطالبه کند. در این مرحله، تعهد سازمان به پرداخت وجه التزام محدود به «حقوق متهم» است و در صورت کافی نبودن حقوق متهم، وجه التزام به صورت اقساط پرداخت خواهد شد. در این فرض، رعایت مفاد ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی (مبنی بر منع توقیف بیش از ثلث یا ربع حقوق کارمند بابت محکومیت مالی) الزامی است.<sup>۱</sup> در ارتباط با قرار التزام مستخدمان رسمی به حضور با وجه التزام، که تأسیس جدیدی در قراردادهای تأمین کیفری است، این سؤال مطرح است که تعهد مذکور در بند (پ) ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری تعهدی است که متهم در زمان قرار تأمین آن را می پذیرد یا این که قبل از صدور قرار، سازمان متبوع وی باید آن تعهد را بپذیرد؟ در پاسخ به این سؤال می توان گفت: تعهد باید به وسیله سازمان متبوع متهم صورت گیرد؛ زیرا اگرچه بدون تعهد نیز به اعتبار ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی سازمان متبوع متهم باید وجه التزام درخواستی مرجع قضایی را بپردازد، اما این پرداخت حسب مورد تابع ربع یا ثلث حقوق و مزایای متهم است، در حالی که وقتی اداره متبوع متهم به پرداخت می شود، تمام حقوق و مزایای متهم، محل پرداخت وجه التزام تا استهلاك کامل آن واقع می شود و به همین جهت است که قانون گذار با وجود ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی، تعهد سازمان متبوع را نیز لازم دانسته است. لذا در صورتی که دادیار یا بازپرس با این استدلال موافق باشند، باید قبل از صدور قرار، تعهد سازمان متبوع متهم را اخذ کنند و به شرح آتی اقدام نمایند.<sup>۲</sup> همچنین قراردادهای مذکور در بندهای (پ) و (ت) متضمن «التزام به حضور» هم هستند و متهم نمی تواند بدون توجه به احضاریه ها جهت حضور نزد مرجع قضایی، به عدم خروج از حوزه قضایی استناد کرده و مدعی عدم تخلف از قرار گردد؛ بنابراین،

۱- خالقی، علی؛ نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری، پیشین، ص ۲۷۰.

۲- مهاجری، علی؛ آیین رسیدگی در دادسرا، ج ۱، فکرسازان، چاپ یازدهم، تیر ۱۳۹۵، ص ۲۱۷.

قرارهای موصوف با یکی از دو امر نقض می‌شوند: ۱- خروج از حوزه قضایی بدون اجازه؛ ۲- عدم حضور نزد مرجع قضایی بدون عذر موجه.<sup>۱</sup> انتخاب یکی از اقسام چهارگانه وثیقه، حق متهم و وثیقه‌گذار است، منتها اگر متهم قصد معرفی مال منقول داشته باشد، قبول آن توسط دادسرا منوط به وجود امکانات کافی برای نگهداری آن مال می‌باشد. اگر چنین امکانی فراهم نباشد، باز پرس می‌تواند به‌طور مستدل و موجه از پذیرش وثیقه مزبور خودداری کند.<sup>۲</sup> قانون‌گذار در بند (ح) ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری از «قرار اخذ کفیل با تعیین وجه‌الکفاله» نام برده است. در تبصره یک همین ماده نیز در مقام تشدید قرار التزام به معرفی نوبه‌ای و تبدیل آن به قرار دیگر، از «قرار کفالت» نام برده است، درحالی‌که در مقام تأمین، آنچه صادر می‌شود قرار اخذ کفیل یا قرار معرفی کفیل است و در صورتی‌که قرار اخذ یا معرفی کفیل منتهی به آمادگی شخص ثالث برای معرفی کردن متهم در مواقع لزوم گردد، در این صورت تحت شرایطی، قرار قبولی کفالت صادر می‌گردد که این قرار در خصوص رابطه بین مرجع قضایی و شخص ثالث یعنی کفیل، عقد کفالت است و قراری به‌نام قرار کفالت وجود ندارد، آن‌هم درجایی‌که قانون‌گذار اخذ تأمین از متهم را اراده کرده باشد؛ بنابراین، اشاره قانون‌گذار در تبصره ۱ ماده ۲۱۷ به قرار کفالت نوعی سهو و خطاست. البته در رویه قضایی از قرار اخذ کفیل با قرار کفالت یاد می‌شود و حتی در مقام صدور نیز از عنوان «قرار کفالت» استفاده می‌شود؛ ولی قانون‌گذار در یک ماده یعنی ماده ۲۱۷ از یک قرار تأمین با دو عنوان متفاوت نام برده است. در بند (ح) این ماده از «قرار اخذ کفیل» و در تبصره ۱ این ماده هم از قرار کفالت نام برده که این امر زبینه کار قانون‌گذار نیست.<sup>۳</sup> ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری برای صدور قرار تأمین یک علت بیان نموده و یک شرط. مبنای صدور قرار تأمین، ایجاد امکانی برای دسترسی به متهم برای حضور به‌موقع او در مواقع لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن یا تبانی او با دیگری است. شرط صدور

۱- خالقی، علی؛ نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، پیشین، ص ۲۶۹.

۲- خالقی، علی؛ نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، پیشین، ص ۲۷۴.

۳- مهاجری، علی؛ آیین رسیدگی در دادسرا، ج ۱، پیشین، ص ۲۱۶.

قرار نیز آن است که پس از تفهیم اتهام باشد. برای صدور قرار تأمین، هم باید مبنا و فلسفه و هم شرط شکلی آن موجود باشد. درجایی که معتقد به بی‌گناهی متهم و یا عدم توجه اتهام به او باشیم، علتی برای قرار تأمین وجود ندارد؛ زیرا قرار تأمین برای دسترسی به متهم در مقاطع بعدی است و وقتی در مقاطع بعدی نیازی به متهم نیست، دلیلی برای صدور قرار تأمین نیست؛ اما اگر حضور متهم را برای ادامه رسیدگی لازم دانستیم، شرط صدور قرار، تفهیم اتهام است.<sup>۱</sup>

به‌طور معمول قرار وثیقه از کفالت سنگین‌تر است مگر این‌که مبلغ قرار کفالت با وجه وثیقه تفاوت فاحش داشته باشد؛ زیرا در قرار وثیقه باید مال یا سند در حکم آن عیناً توقیف شود، در صورتی‌که تعهد در قرار کفالت شخصی است. به‌موجب این قرار بازپرس ابتدا با یک قرار قضایی آمره، آزادی متهم را منوط به معرفی وثیقه به مبلغ معین می‌کند. مفهوم قرار وثیقه این است که به‌منظور دسترسی به متهم، از وی خواسته می‌شود تا به‌میزان مشخصی وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول معرفی کند. چنانچه کسی بخواهد مالی را به‌عنوان وثیقه معرفی کند متعهد می‌گردد که هرگاه متهم به مرجع قضایی احضار شد و حضور پیدا نکرد، او را حاضر نماید، در غیر این صورت معادل وجه وثیقه، از مال او به‌نفع دولت ضبط می‌شود. در پی این قرار، متهم ملزم است که وثیقه معرفی کند، وگرنه بازداشت می‌گردد. پس از معرفی وثیقه، اقدام حقوقی دیگری که انجام می‌شود قرار قبولی وثیقه است. این قرار، یک تعهد با ماهیت مدنی است که مطابق اصول حاکم بر تعهدات بین بازپرس و وثیقه‌گذار منعقد می‌شود. نتیجه این‌که قرار وثیقه نیز مشتمل بر انجام دو قرار است: یکی قرار وثیقه و دیگری قرار قبولی وثیقه. وثیقه‌گذار ممکن است متهم یا دیگری باشد. وی باید یکی از چهار نوع وثیقه مقرر در بند (خ) ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک یعنی وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول را معرفی کند. هرکدام از این موارد که معرفی شود بازپرس مکلف به قبول وثیقه و صدور قبولی آن است. در صورتی‌که مال اعم از منقول یا غیرمنقول به‌عنوان وثیقه معرفی

۱- مهاجری، علی؛ آیین رسیدگی در دادسرا، ج ۱، پیشین، صص ۱۹۰-۱۸۹.

شود نیاز است که این مال ارزیابی شود تا مشخص گردد که اولاً قابل توقیف می‌باشد یا خیر و ثانیاً آیا معادل وجه وثیقه ارزش دارد یا نه؟ در صورتی که متهم از معرفی وثیقه ناتوان باشد و یا ارزیابی مال معرفی شده نیاز به انجام تشریفات خاصی داشته باشد، تا زمان قرار قبولی وثیقه، متهم به بازداشتگاه معرفی می‌شود.<sup>۱</sup> در متن قرار کفالت، بازپرس مبلغی تحت عنوان «وجه‌الکفاله» تعیین می‌کند و آزادی متهم را منوط به معرفی شخص ثالثی که توانایی پرداخت وجه‌الکفاله را داشته باشد، می‌نماید. شخص ثالث که کفیل نامیده می‌شود، پس از احراز ملائت وی برای پرداخت وجه‌الکفاله، باید با تنظیم قرار قبولی کفالت، حاضر کردن به‌موقع متهم را نزد مرجع قضایی تعهد کرده و در قبال تخلف از آن، پرداخت وجه‌الکفاله را تعهد نماید. در هر حال، کفیل در زمان صدور قرار کفالت وجهی نمی‌پردازد. توضیح این که متعاقب صدور قرار کفالت، متهم برای جلوگیری از بازداشت خود، باید کفیلی معرفی کند و إلّا به علت عجز از معرفی کفیل بازداشت خواهد شد. کفیل معرفی شده باید توانایی مالی یا ملائت خود را برای پرداخت احتمالی وجه‌الکفاله ثابت کند، چون کفیل در قرار قبولی کفالت باید متعهد شود هر زمان که نیاز به حضور متهم باشد و علی‌رغم ابلاغ قانونی، بدون عذر موجه حاضر نشود، او متهم را حاضر می‌کند و در غیر این صورت وجه‌الکفاله را پرداخت خواهد کرد. شخص متهم در خصوص پرداخت وجه‌الکفاله تعهدی ندارد. در این قرار، موضوع تعهد متهم صرفاً حضور به‌موقع نزد بازپرس است. متهم برای خروج از حوزه قضایی و یا حتی خروج از کشور محدودیتی ندارد. چیزی که موجب شدید بودن قرار کفالت نسبت به قرارهای قبلی می‌شود این است که اثر اولیه قرار کفالت، بازداشت شدن متهم است، ولی متهم این فرصت را دارد که با معرفی شخص ثالثی که به‌نظر بازپرس ملائت و توانایی مالی پرداخت وجه‌الکفاله را داشته باشد، از بازداشت خود و یا ادامه آن (در صورتی که قبلاً که منتهی به بازداشت متهم شده باشد) جلوگیری کند.<sup>۲</sup> قانون‌گذار در مورد صدور یا

۱- طهماسبی، جواد؛ آیین دادرسی کیفری، ج ۲، میزان، چاپ سوم، تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۳۹-۱۳۸.

۲- ناجی زواره، مرتضی؛ دیباچه آیین دادرسی کیفری، خرسندی، چاپ اول، ۱۳۹۵، ص ۲۳۷.

عدم صدور قرار نظارت برای اطفال و نوجوانان مقررات و ماده خاصی را وضع نکرده، اما ما معتقدیم که اصل کلی درخصوص اطفال و نوجوانان بزهکار، عدم صدور قرار تأمین کیفری و قرار نظارت قضایی است. ماده ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری به صورت استثنایی و آن هم در مواقع ضرورت، امکان صدور قرار تأمین کفالت، وثیقه و قرار نگهداری را پیش‌بینی کرده است. فلذا قابل تسری به قرار نظارت قضایی نمی‌باشد. پس نمی‌توان با این استدلال که چون می‌توان برای اطفال و نوجوان ۱۵ تا ۱۸ سال قرار تأمین صادر کرد پس می‌توان قرار نظارت نیز صادر کرد. اصل عدم محدودیت برای اطفال و نوجوانان بزهکار، در فرایند رسیدگی به اتهامات است و موارد استثنایی قیاس‌بردار نیستند؛ بنابراین، امکان صدور نظارت قضایی برای اطفال و نوجوانان وجود ندارد.<sup>۱</sup> اصول حاکم در رابطه با صدور قرارهای ماده ۲۱۷ را می‌توان این‌گونه بیان نمود: نخست: درخصوص یک اتهام تنها می‌توان یکی از این قرارهای احصاء شده را انتخاب نمود. به عبارت دیگر، نمی‌توان به طور هم‌زمان در خصوص یک اتهام، دو مورد از قرارهای فوق را صادر نمود. درعین حال برای اتهامات متعدد متهم با رعایت صلاحیت ذاتی می‌توان قرار تأمین واحدی صادر کرد. دوم: قرار تأمین باید فوری به متهم ابلاغ و تصویر آن به وی تحویل شود. در صورتی که قرار تأمین منتهی با بازداشت گردد مفاد قرار در برگیره اعزام درج می‌شود. سوم: بازپرس می‌تواند در تمام مراحل تحقیقات با رعایت مقررات این قانون، قرار تأمین صادره را تشدید کند یا تخفیف دهد. تشدید یا تخفیف قرار تأمین، اعم از تبدیل نوع قرار یا تغییر مبلغ آن است. به علاوه، فک یا تخفیف قرار بدون نیاز به موافقت دادستان انجام می‌شود اما ابقای تأمین باید به تأیید دادستان برسد و در صورت مخالفت دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است. چهارم: دادستان نیز در جریان تحقیقات مقدماتی تا پیش از تنظیم کیفرخواست می‌تواند تشدید یا تخفیف تأمین را از بازپرس درخواست کند. هرگاه بین بازپرس و دادستان موافقت حاصل نشود پرونده برای رفع اختلاف به

---

۱- رنجبر، حسین و فرج‌پور، محمدصادق؛ قرار نظارت قضایی در قانون آیین دادرسی کیفری، فصلنامه مطالعات حقوق، شماره ۱۰، بهار ۱۳۹۶، ص ۲۲۲.

دادگاه ارسال می‌شود و بازپرس طبق نظر دادگاه که در وقت فوق‌العاده رسیدگی می‌نماید، اقدام می‌کند. پس از تنظیم کیفرخواست نیز دادستان می‌تواند حسب مورد از دادگاهی که پرونده در آن مطرح است درخواست تشدید یا تخفیف تأمین کند. متهم نیز می‌تواند تخفیف تأمین را درخواست کند. پنجم: هرچند انتخاب هریک از قرارهای تأمین کیفری برعهده مقام تحقیق است، با این وجود، مقام قضایی در این انتخاب، اختیار نامحدود نداشته و ملزم به رعایت اصل تناسب در صدور قرار تأمین می‌باشد.<sup>۱</sup> با بررسی مواد قانونی مربوط به قرارهای تأمین کیفری، توجه به موارد ذیل از اهمیت برخوردار است: نخست: قرار تأمین کیفری پس از تفهیم اتهام صادر می‌شود. دوم: با عنایت به ذیل ماده ۲۱۷ قانون مذکور که مقرر می‌دارد: «... یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می‌کند...» مقام تحقیق برای یک اتهام موظف است یک نوع قرار تأمین کیفری صادر کند و به عنوان مثال، برای یک اتهام به‌جای صدور قرار تأمین کیفری از نوع وثیقه، نمی‌تواند دو قرار کفالت صادر نماید. سوم: با درنظر گرفتن قید «... یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می‌کند...» این سؤال به‌ذهن متبادر می‌گردد که آیا مقام تحقیق در انتخاب نوع و میزان قرار تأمین کیفری اختیار مطلق دارد؟ به‌عنوان مثال، آیا مقام تحقیق می‌تواند برای جرم کلاهبرداری، قرار التزام به حضور با قول شرف صادر کند و یا این‌که در صدور قرار تأمین کیفری ملزم به رعایت قیود و شرایطی است؟ با توجه به اهداف اصدار قرار تأمین کیفری که در صدر ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری تصریح شده است (به‌طور خاص تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی) و ذیل ماده ۲۱۸ این قانون که بیان می‌کند: «قرار تأمین متناسب ... صادر می‌شود»، نوع و میزان قرار تأمین کیفری باید متناسب با جرم به‌وقوع پیوسته باشد. چهارم: به‌طور کلی تشخیص و تعیین این‌که کدام‌یک از انواع قرارهای تأمین کیفری مصرّح در بندهای ب، پ، ث، ج، چ شدیدتر است، با مشکل مواجه است. با این حال به‌نظر می‌رسد که التزام به عدم خروج شدیدتر از التزام به حضور و التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت

۱- جوانمرد، بهروز؛ فرآیند دادرسی کیفری، ج ۱، پیشین، صص ۳۰۸-۳۰۷.

تعیین شده شدیدتر از التزام به عدم خروج از حوزه قضایی باشد. پنجم: با صدور قرار تأمین کیفری، قرار مذکور باید فوری به متهم ابلاغ و تصویر آن به وی تحویل شود؛ بنابراین، قرار تأمین در دو نسخه تنظیم و یک نسخه تحویل متهم می‌گردد. ششم: قراردادهای مذکور در ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری حصری هستند و قاضی نمی‌تواند تأمین دیگری اخذ کند. هفتم: در مواردی که قتل از نوع خطای محض بوده و عاقله مسئول پرداخت دیه است، اخذ تأمین کیفری از عاقله فاقد وجاهت قانونی است. عاقله منحصرأً ضامن پرداخت دیه است و مسئولیت کیفری ندارد تا به او تفهیم اتهام شود؛ زیرا موارد اتهام صرفاً به مباشر، شریک و معاون جرم تفهیم می‌شود. هشتم: با توجه به این‌که قاعده «فراغ دادرس» نسبت به قراردادهای تأمین کیفری جاری نیست، چنانچه پرونده پس از اتخاذ تصمیم در دادسرا به دادگاه و از دادگاه بدوی با توجه به قابل تجدیدنظر بودن رأی به دادگاه تجدیدنظر ارسال گردد، در صورت معرفی کفیل یا ایداع وثیقه قبل از ارسال پرونده به دادگاه تجدیدنظر، مسئولیت صدور قرار قبولی و آزادی محکوم با قاضی صادرکننده رأی بدوی است. نهم: منظور از حوزه قضایی در قراردادهای تأمین کیفری، حوزه قضایی دادسرا یا دادگاه محل صدور قرار تأمین می‌باشد.<sup>۱</sup> باری قانون ۱۳۹۲، تعداد قراردادهای تأمین را، از پنج به ده نوع تغییر داده است. ملاحظه می‌شود که بندهای (پ)، (ت)، (ث، ج و چ) ماده یاد شده، در کشور ما تازگی دارد. از آنجا که تأمین‌های جدید، هنوز در کشور ما موقعیت اجرایی نیافته است؛ و نتیجه‌های عملی آن روشن نیست. با این حال بعضی از آنها در کشور ما بی سابقه هم نمی‌باشد، مانند التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف یا وجه التزام که دشواری‌هایی برای متهمان به وجود می‌آورد و سیستم قضایی ما را مختل می‌کند. باید دقت داشت که، بیشتر و متنوع بودن قراردادهای تأمین کیفری، دردی را دوا نمی‌کند؛ آنچه که مهم است چگونگی نوع تأمین‌هاست نه شمار عددی آنها؛ به ویژه این که در کشور ما بسیاری از این تأمین‌های جدید، سابقه

۱- الهی‌منش، محمدرضا و رحیمی، محمد مهدی؛ آیین دادرسی کیفری، ج ۱، پیشین، صص ۴۱۲-۴۰۹.

اجرایی داشته و چون مشکل ساز بود، کنار گذاشته شد.<sup>۱</sup>

### نظریه مشورتی

– نظریه شماره ۲۴۵/۱۴۰۲/۷ مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۸: آیا می‌توان در راستای کاهش هزینه های نگهداری زندانیان کشور و در اجرای بند ح ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، از شرکت های بیمه به عنوان کفیل متهمان استفاده کرد؟

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه

نظر به این که هدف اصلی و اولیه از صدور قرار تأمین کیفری به شرح مذکور در صدر ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، تضمین دسترسی به متهم است و در قرارهایی که شخص ثالث نیز تعهدی بر عهده می‌گیرد، تعهد اصلی وی، حاضر کردن متهم در صورت عدم حضور او در وقت مقرر نزد مرجع قضایی است و با توجه به اینکه مطابق تبصره ماده ۲۲۱ همان قانون، پذیرش کفالت اشخاص حقوقی بلامانع است؛ بنابراین قبول کفالت اشخاص حقوقی که تعهد حاضر کردن متهم و پرداخت وجه الکفاله در صورت حاضر نکردن وی را بر عهده گرفته باشند، با رعایت شرایط قانونی بلامانع است؛ اما قبول کفالت اشخاص حقوقی؛ از جمله شرکت های بیمه، به صرف اعلام آمادگی برای پرداخت وجه الکفاله بدون تعهد حاضر کردن متهم نزد مرجع قضایی، خلاف مقررات فوق می‌باشد.

– نظریه شماره ۷/۹۹/۱۳۸۳ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۵: با توجه به این که در ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴ ضبط وثیقه در صورتی امکان پذیر است که دعوی اعسار به موجب حکم قطعی رد شده باشد و کفیل یا وثیقه‌گذار ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ واقعی، محکوم علیه را تسلیم نکند آیا در فرضی که اعسار با قرار دادگاه رد بشود نیز وثیقه قابل ضبط است؟

۱- آخوندی، محمود؛ شناسای آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، دوراندیشان، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۴، صص ۳۳۱-۳۳۲.

### نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه

اولاً، برابر تبصره ۱ ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴ در صورتی که دعوای اعسار خارج از مهلت سی روز مندرج در ماده یاد شده تقدیم شده باشد، محکوم علیه بازداشت می شود؛ مگر آن که یکی از شقوق مندرج در بند های تبصره مذکور محقق شود. ثانیاً، وثیقه گذاری که در راستای تبصره یاد شده اقدام به پذیرش تعهد مبنی بر حاضر کردن محکوم علیه می کند، متعهد است هرگاه که مرجع قضایی اخطار لازم را برابر قانون به وی ابلاغ کند، نسبت به تعهد خود عمل کند.

ثالثاً، عبارت مذکور در تبصره یاد شده مبنی بر در صورت رد دعوای اعسار به موجب حکم قطعی، فرع بر آن است که دعوای اعسار در جریان رسیدگی باشد و محکوم علیه موانع قانونی برای رسیدگی به این دعوا را مرتفع سازد.

رابعاً، ذیل ماده ۳ یاد شده یکی از موارد جواز حبس محکوم علیه را استرداد دعوای اعسار از ناحیه وی قلمداد کرده است. بنا به مراتب فوق، چنانچه به هر دلیلی از جمله استرداد دعوای اعسار و یا صدور قرار رد نسبت به دادخواست یا دعوای یاد شده، بحث رسیدگی به اعسار منتفی شود، امکان بازداشت محکوم علیه قانوناً وجود دارد و مفروض آن است که وثیقه گذار تعهد کرده است در تمام مواردی که امکان بازداشت قانونی محکوم علیه وجود داشته و مرجع قضایی انجام تعهد توسط وثیقه گذار مبنی بر حاضر کردن محکوم علیه را از وی مطالبه کند، استنکاف از انجام تعهد با تحقق شرایط قانونی از موجبات صدور دستور ضبط وثیقه خواهد بود.

### - نظریه شماره ۷/۹۵/۱۳۴۵ مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۲۶: مقصود مقنن در وضع

مقررات ذیل ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مبنی بر عدم بازداشت متهم پیش از حداقل حبس مقرر در قانون، آزادی بلاقید وی نیست، زیرا برابر مواد ۲۱۷ و بعد قانون فوق الذکر، متهم مادام که دلایلی دال بر ارتکاب جرم علیه وی وجود دارد، باید تحت قرار تأمین کیفری باشد، اما هرگاه وی در حد نصاب مقرر در ذیل این ماده در بازداشت باشد، بازپرس باید قرار تأمینی را که منتهی به

بازداشت وی شده است با توجه به وضعیت وی به نحوی تخفیف دهد که زمینه آزادی وی فراهم شود. بدیهی است قرارهای التزام موضوع بندهای (الف) تا (ث) ماده ۲۱۷ قانون مارالذکر، به طور طبیعی زمینه آزادی متهم را فراهم می‌سازد و اگر وی از پذیرش آن امتناع کند، ضمانت اجراهای مقرر در تبصره یک ماده ۲۱۷ قانون یادشده، اعمال می‌گردد.

- نظریه شماره ۷/۹۴/۳۳۶۵ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۳: مطابق ماده ۲۱۷ قانون مذکور مرجع قضایی می‌تواند به محض حضور متهم یکی از قرارهای تأمین مقرر در این ماده را صادر نماید؛ بنابراین اگر جرم موضوع پرونده خیلی سبک باشد، یکی از قرارهای مندرج در این ماده، مثلاً التزام به حضور با قول شرف صادر می‌نماید، ولی بدون تفهیم اتهام یا این که برای جلوگیری از بازداشت وی، ماشین متهم توقیف شود، صحیح نمی‌باشد.

- نظریه شماره ۷/۹۴/۳۳۱۴ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۸: قانون‌گذار در بندهای ده‌گانه ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲، انواع قرارهای تأمین کیفری را ذکر نموده و از مفاد آن ماده، الزامی به صدور قرار مذکور در بند ج برای مستخدمین رسمی استنباط نمی‌شود.

- نظریه شماره ۷/۹۴/۲۰۷۳ مورخ ۱۳۹۴/۷/۲۶: با توجه به تصریح ذیل ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ مبنی بر این که بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم در صورت وجود دلایل کافی یکی از قرارهای تأمین مذکور در این ماده را صادر می‌کند، لذا تحت نظر قرار دادن متهم فاقد وجاهت قانونی است.

- نظریه شماره ۷/۹۴/۱۹۹۴ مورخ ۱۳۹۴/۷/۱۹: در مورد قرار تأمین موضوع بند پ ماده ۲۱۷ قانون مذکور یعنی قرار التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف، بازپرس (مرجع قضایی صادرکننده قرار) قول شرف متهم را پذیرفته و در صورتی که بعداً معلوم شود متهم از این امر تخلف نموده است، با عنایت به ملاک تبصره ۱ ماده ۲۱۷ یادشده می‌توان برای وی قرار کفالت صادر نمود و در مورد هر دو قرار مزبور، کنترل متهم منتفی است.

- از نظریه شماره ۱۹۹۴/۹۴/۷ مورخ ۱۳۹۴/۷/۱۹: طبق بند ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ یکی از قرارداهای تأمین، التزام به حضور با تعیین وجه التزام است. با صدور چنین قرار، هر وقت متهم احضار شود، ولی حضور پیدا نکند و عذر موجهی هم نداشته باشد، با عنایت به ماده ۲۳۰ قانون یادشده، وجه التزام از او اخذ خواهد شد.

- نظریه شماره ۱۲۸۳/۹۴/۷ مورخ ۱۳۹۴/۵/۲۵: صرف نظر از این که صدر ماده ۲۲۵ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ ابلاغ فوری قرار تأمین را الزامی اعلام نموده است، نظر به این که صدور قرارداهای تأمین کیفری کفالت و وثیقه الزاماً منجر به بازداشت متهم نمی شود، قانون گذار صرف صدور قرارداهای مذکور را قابل اعتراض ندانسته است، بلکه اگر منتهی به بازداشت متهم شود، به استناد ذیل ماده ۲۲۶ همان قانون، حق اعتراض متهم به دو امر را در پی خواهد داشت: اول اعتراض به اصل صدور قرار، مانند این که متهم مدعی شود جرم غیرعمدی و تضمین جبران خسارت بزه دیده ممکن بوده و در نتیجه صدور این قرار برخلاف تبصره ۳ ماده ۲۱۷ آن قانون است و دوم این که، ادعای عدم پذیرش کفیل یا وثیقه ای که معرفی نموده است، بنماید؛ بنابراین، در صورتی که قرارداهای مذکور به بازداشت متهم منتهی نشود، مرجع قضایی، تکلیفی جز ابلاغ این قرارها ندارد.

- نظریه مشورتی شماره ۷/۲۱۲۹ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۱۸: با توجه به هدف و فلسفه اصلی صدور قرار تأمین کیفری، این امر مختص اشخاص حقیقی است و در خصوص اشخاص حقوقی مصداق ندارد. بدیهی است که صدور قرار تأمین خواسته نسبت به اموال شخص حقوقی مطابق مقررات قانونی بلامانع است.<sup>۱</sup>

- نظریه شماره ۷/۷۱۰۹ مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۱۳: مقررات ق.آ.د.ک. مربوط به رسیدگی مراجع قضایی بوده و سازمان تعزیرات حکومتی مجاز به صدور قرار تأمین در مقام رسیدگی به پرونده های مطروحه در آن سازمان نمی باشد، نتیجتاً صدور

---

۱- این نظریه پیش از تصویب ماده ۶۹۰ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ ابراز شده است. در خصوص نحوه اخذ تأمین از اشخاص حقوقی ر.ک: ماده ۶۹۰ همین قانون.

دستور ضبط وثیقه موضوعاً منتفی است.

- نظریه شماره ۷/۱۳۳۱ مورخ ۱۳۸۵/۲/۳۰: قرارهای مذکور در ق.آ.د.ک حصری است و قاضی نمی‌تواند تأمین دیگری اخذ نماید و یا از این قرارها برای تأمین موضوعی دیگر غیر از موارد یادشده در ماده مزبور صادر کند...

- نظریه شماره ۷/۵۰۲۷ مورخ ۱۳۸۴/۷/۱۶: سازمان تعزیرات حکومتی یک مرجع اداری و حکومتی است و قانوناً مجاز به صدور قرار تأمین کیفری منجر به زندانی شدن متهم به دلیل عجز از معرفی موضوع قرار نمی‌باشد.

- نظریه شماره ۷/۶۶۶۸ مورخ ۱۳۸۳/۹/۴: صدور قرار تأمین کیفری در صلاحیت مراجع قضایی است و سازمان تعزیرات حکومتی به‌عنوان یک مرجع اداری و حکومتی، قانوناً مجاز به صدور قرار تأمین کیفری و متعاقب آن معرفی متهم به جهت عجز از معرفی موضوع قرار به زندان نمی‌باشد و آنچه در ماده ۵ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ ذکرشده و به‌موجب آن اجازه داده شده محکومین سازمان تعزیرات حکومتی که عاجز از پرداخت جزای نقدی می‌باشد، بازداشت شوند، مطلبی جداگانه‌ای است و ربطی به قرارهای تأمین ندارد.

- نظریه شماره ۷/۵۴۶۵ مورخ ۱۳۸۳/۷/۲۶: در صورت احرار عدم توجه اتهام به متهم یا عدم وجود دلیل کافی بر انتساب بزه به وی، پرونده در هر مرحله‌ای که باشد، قاضی رسیدگی‌کننده مکلف به آزادی متهم بدون اخذ تأمین خواهد

- نظریه شماره ۷/۱۷۵۷ مورخ ۱۳۸۳/۵/۲۶: اخذ تأمین از متهم نه‌تنها لازم است، بلکه قاضی مکلف است پس از تفهیم اتهام، اقدام به صدور قرار تأمین کیفری مقتضی نماید و فقط چنانچه تشخیص دهد اتهامی متوجه شخص متهم نیست، در آن صورت نیازی به اخذ تأمین در حال و آینده وجود ندارد و لذا در صورت انکار متهم نیز قاضی مکلف به صدور قرار تأمین مناسب تا رسیدگی به دلایل ارائه‌شده از ناحیه وی از جمله اظهارنظر کارشناس می‌باشد.

- نظریه شماره ۷/۲۸۸۹ مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۱: مسئولیت عاقله از باب احکام تکلیفی است. لذا از او نمی‌توان تأمین گرفت و یا تفهیم اتهام نمود.

- نظریه شماره ۷/۸۵۸۲ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۰: بهصراحت مفاد ماده ۱۳۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸ که بیان داشته «... در موارد لزوم... قاضی مکلف است پس از تفهیم اتهام به وی یکی قرارهای تأمین کیفری را صادر نماید» بنابراین در صورتی که مرجع قضائی پس از تفهیم اتهام، دفاعیات متهم را غیرموجه تشخیص دهد، صدور قرار تأمین کیفری الزامی خواهد بود، مگر این که پس از تفهیم اتهام دفاعیات او را موجه دانسته و نیازی به حضور او نداند و تشخیص دهد که وی از اتهام انتسابی مبرا است که در آن صورت، نه تنها نیازی به اخذ تأمین نیست، بلکه متهم باید بلاقید آزاد شود.

- نظریه شماره ۷/۸۳۶۵ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۷: هیچ گونه تعارض و یا تناقضی در جهت آثار و تکالیف قانونی مترتبه بین مواد ۱۲۹ و ۱۳۲ از قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸ مشهود نمی باشد. ضمن آن که تکلیف مقرر در ماده ۱۳۲ از قانون مذکور مکمل تکالیف مقرر در ماده ۱۲۹ همان قانون می باشد که قاضی رسیدگی کننده متعاقب انجام تحقیقات مقدماتی و بازپرسی از متهم پس از تفهیم اتهام و وجود ادله و احراز مجرمیت متهم، مکلف است به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن یا تبانی با دیگری، یکی از قرارهای مندرج در بندهای ۱ تا ۵ منصوص در ماده ۱۳۲ قانون مذکور را از متهم اخذ نماید و مستنبط از مفاد مواد مرقوم، تا زمانی که دلیلی بر ثبوت اتهام علیه متهم در پرونده امر اقامه نشده باشد، جواز برای تفهیم اتهام به وی نمی باشد و بدیهی است هنگامی که اتهام انتسابی به متهم بلا دلیل باشد، نیازی به اخذ یکی از تأمینات مذکور در ماده ۱۳۲ مذکور نمی باشد و فرض اخذ و صدور قرارهای تأمین با رعایت ماده ۱۳۴ قانون مذکور در صورت وجود دلایل اتهام علیه متهم می باشد و مآلاً هیچ گونه تعارضی در مواد مرقوم مشاهده نمی شود.

- نظریه شماره ۷/۱۰۱۰ مورخ ۱۳۷۵/۷/۱۱: پس از تفهیم اتهام به متهم و در صورت وجود دلایل کافی مرجع قضایی مکلف است درباره متهم با توجه به نوع و

اهمیت جرم قرار تأمین کیفری صادر نماید و بلاقید آزاد نمودن متهم خلاف مقررات قانونی است. اضافه می‌نماید در مواردی که به حکم قانون صدور قرار بازداشت موقت الزامی است، مرجع قضایی مکلف است در صورت وجود دلایل و قرائن کافی قرار بازداشت موقت صادر نماید.

## آرای مرتبط

۱- شماره رأی نهایی: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۴۰۱۶۹۸

تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۲/۱۲/۲۴

در این پرونده قاضی فراهانی رئیس شعبه ۱۱۲۸ دادگاه عمومی جزایی تهران در خصوص اتهام آقایان ۱- ن.ع. فرزند ح. و ۲- م.غ. فرزند غ. دایر بر ارتکاب بزه مشارکت در فروش مال غیر دو قطعه زمین ...، با توجه به مفاد کیفرخواست صادره از شعبه ششم بازپرسی دادسرای ناحیه ۱۴ تهران، ملاحظه محتویات پرونده، شکایت شاکی خصوصی، گزارش مرجع انتظامی تهران و گواهی شهود، عدم دسترسی به متهمان، تصاویر مدارک ابرازی و سایر قرائن و شواهد موجود در پرونده بزه انتسابی را محرز و مسلم دانسته و به استناد ماده ۱ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر ناظر به ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء و کلاهبرداری و با رعایت ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی هر یک از مجرمان را به تحمل یک سال حبس تعزیری و پرداخت مبلغ ۹۷۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال جهت هر یک به عنوان جزای نقدی در حق دولت و رد مال عیناً یا مثلاً یا قیمتاً در حق شاکی بالاشتراک محکوم و رأی صادره را غیابی صادر نمود. و در خصوص اعتراض ن.ع. فرزند ح. نسبت به دادنامه غیابی شماره ۱۴۹۸-۹۰۰ مورخ ۹۰/۱۰/۲۸ صادره از شعبه ۱۱۲۸ کیفری؛ دادگاه با بررسی موضوع و ملاحظه اوراق پرونده و لایحه اعتراضی معترض اعتراض را وارد ندانسته ضمن رد اعتراض تصمیم فوق‌الذکر را در اجراء بند ۵ ماده ۲۱ قانون مجازات اسلامی فقط جزای نقدی مورد حکم به لحاظ فقدان سابقه کیفری و اخواه مذکور، از مبلغ ۹۷۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال به پرداخت مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای

نقدی تقلیل نمود. ایضاً یک سال حبس تعزیری و رد مال بلااشتراک در مورد واخواه عیناً تأیید گردید.

سپس شعبه ۱۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای ن.ع. نسبت به دادنامه شماره ۶۵۶ مورخ ۹۱/۶/۴ صادر شده از شعبه ۱۱۲۸ دادگاه عمومی جزایی تهران با توجه به محتویات پرونده، چنین استدلال نمود؛ نظر به این که از تجدیدنظرخواه به عنوان متهم در مراحل دادرسی تحقیق به عمل نیامده و خصوصاً در مرحله واخواهی از دادنامه غیابی، اتهام مزبور به نامبرده تفهیم نشده، آخرین دفاع اخذ نگردیده و تأمین کیفری نیز از وی اخذ نشده است، صدور رأی حضوری شماره مذکور به جهت مرقوم و عدم رعایت تشریفات و قواعد دادرسی دادرسی فاقد وجاهت قانونی است و این که عدم رعایت مقررات فوق به درجه ای از اهمیت بوده که موجب عدم اعتبار رأی صادر شده می باشد، دادگاه با مغایر دانستن دادنامه معترض عنه، مستنداً به بند ب ماده ۲۵۷ (در حال حاضر تبصره ماده ۴۵۵) قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، ضمن نقض دادنامه تجدیدنظر خواسته، پرونده را به محکمه بدوی اعاده می نماید تا با تشکیل جلسه دادرسی، دعوت از طرفین و نماینده دادستان، استماع دفاعیات واخواه، عنداللزوم تفهیم اتهام و اخذ تأمین کیفری و رعایت تشریفات دادرسی، نسبت به واخواهی مشارالیه از دادنامه غیابی ۱۴۹۸ مورخ ۹۰/۱۰/۲۸ رسیدگی و نفیاً یا اثباتاً اظهارنظر نمایند. رأی دادگاه قطعی است.

نیک نژاد، رضائی- مستشاران شعبه ۱۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

## ۲- شماره رأی نهایی: ۹۱-۱۵۵

### تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۱/۳/۳

در این پرونده شعبه ۱۱۴۲ دادگاه عمومی جزایی تهران در خصوص اتهام آقای م. فرزند ف. دایر بر جعل چک و کلاهبرداری موضوع شکایت آقای د. فرزند ع.، رأیی با این استدلال صادر نمود که با عنایت به شکایت شاکی خصوصی، اظهارات

مطلعان در مرحله‌ی تحقیقات و کیفرخواست صادره از دادسرای ناحیه ۱۶ تهران و ملاحظه تصویر چک بانک رفاه کارگران به شماره ۷۷۳۳۰۸-۱۳۸۹/۱۰/۲۵ به مبلغ سیصد و هفتاد میلیون ریال و نظر به اینکه متهم با وصف احضار از طریق نشر آگهی در جلسه دادگاه حاضر نشده و دفاعی به عمل نیاورده است، لذا بزه انتسابی محرز و مسلم و مدلل است. دادگاه با استناد به مواد ۵۲۳ و ۵۲۵ و ۴۷ (در حال حاضر ماده ۱۳۴) قانون مجازات اسلامی و ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری نامبرده را از حیث جعل به تحمل یک سال حبس و از حیث کلاهبرداری به تحمل پنج سال حبس و رد مبلغ سی و هفت میلیون تومان در حق شاکی و پرداخت همین مبلغ در حق صندوق دولت به عنوان جزای نقدی محکوم می‌نماید. رأی صادره غیابی و ظرف ۱۰ روز پس از ابلاغ قابل واخواهی است.

در خصوص تقاضای واخواهی آقای م. فرزند ف. نسبت به دادنامه شماره ۱۲۱۲-۹۰/۱۱/۳۰ صادره از شعبه ۱۱۴۲ دادگاه عمومی تهران، با عنایت به اینکه واخواه دلیل مؤثر و موجه که موجبات گسیختن دادنامه موصوف را فراهم آورد، ابراز و ارائه نکرده است، ضمن رد واخواهی، دادنامه واخواسته را عیناً تأیید مینماید.

سپس شعبه ۲۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران پس از تجدیدنظرخواهی آقای م. نسبت به دادنامه شماره ۱۵۵-۹۱ مورخ ۱۳۹۱/۳/۳ در پرونده کلاسه ۹۰/۵۰۵ ناظر به دادنامه شماره ۱۲۱۲ مورخ ۹۰/۱۱/۳۰ صادره از شعبه ۱۱۴۲ دادگاه عمومی جزایی تهران که به موجب آن واخواهی واخواه نسبت به دادنامه غیابی رد گردیده است، با این استدلال که تجدیدنظرخواه در مرحله تحقیق (دادسرا) و در مرحله صدور رأی غیابی در دسترس نبوده و به این لحاظ نسبت به وی قرار تأمین کیفری اصدار نشده است و در زمانی که از سوی اجرای احکام دستگیر و به زندان اعزام گردید مشارالیه درخواست واخواهی نموده است، دادگاه مکلف بوده طبق ماده ۲۱۸ (در حال حاضر ماده ۴۰۷) قانون آیین دادرسی کیفری وارد رسیدگی و با تشکیل جلسه دادرسی دلایل و مدافعات محکوم‌علیه را بررسی و چنانچه رأی غیابی صحیحاً صادر شده بود طبق ماده ۱۳۲ (در حال حاضر ۲۱۷) قانون موصوف مکلف بوده یکی از قرارهای تأمین

کیفری را پس از تفهیم اتهام و اخذ آخرین دفاع نسبت به وی صادر می‌نمود و چون در صدور رأی وخواهی موصوف رعایت تشریفات قانونی به عمل نیامده است و این عدم رعایت تشریفات به گونه‌ای است که موجب مخدوش بودن رأی شده است و عدم رعایت تشریفات قانونی و استماع دفاعیات وخواه از درجه اهمیتی برخوردار است که موجب بی‌اعتباری و مخدوش بودن رأی صادره گردیده لذا رأی صادره را قرار تلقی و به استناد بند ۲ قسمت ب ماده ۲۵۷ (در حال حاضر ۴۵۵) قانون آیین دادرسی کیفری ضمن نقض آن پرونده را جهت رسیدگی ماهوی به وخواهی وخواه به دادگاه بدوی ارسال می‌نماید. رأی صادره قطعی است.

منصوری، جعفری شهنی

رئیس شعبه ۲۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران- مستشار دادگاه

### بخشنامه‌ها

- بخشنامه شماره ۱/۷۹/۱۴۱۷۰ مورخ ۱۳۷۹/۹/۹ رئیس قوه قضاییه به قضات واحدهای قضایی سراسر کشور (مبنی بر ممنوعیت ارجاع اخذ تأمین و آزادی متهم به ضابطان): بنابر اعلام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، ملاحظه شده است، مقامات قضایی ضمن صدور دستورات قضایی خود به پاسگاه‌ها و کلانتری‌ها، برخلاف مقررات، از مراجع مذکور، خواسته‌اند «نسبت به اخذ تأمین از متهمین اقدام و آنان را فعلاً آزاد نمایند». صدور این قبیل دستورات، علاوه بر اشکال قانونی، ابهام، سردرگمی و مشکلاتی برای واحدهای انتظامی، به وجود آورده است. قطع نظر از آن‌که، تأمیناتی که از طرف ضابطان اخذ شود، فاقد ضمانت اجرا می‌باشد، اصولاً و در صورت وجود دلایل کافی بر توجه اتهام، برای دسترسی به متهم و حضور به‌موقع وی یا جلوگیری از تبانی، صدور یکی از قرارهای تأمین مقرر در ماده ۱۳۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و ابلاغ آن در پی تفهیم اتهام به متهم، از تکالیف قانونی قاضی پرونده است.

ضابطان دادگستری، در جریان تحقیقات مقدماتی (جز در موارد جرایم مشهود

که برابر ماده ۲۴ قانون مرقوم، برای تکمیل تحقیقات ضروری و حداکثر تا مدت ۲۴ ساعت تحت نظر نگهداشتن متهم تجویز شده است) به صراحت بخش آخر ماده ۱۹ قانون مزبور، حق اخذ تأمین از متهم را ندارند و بنابراین، صدور دستور «متهم با قید ضامن معتبر، آزاد شود» به مراجع انتظامی سپردن اختیار اخذ تأمین کیفری به مقامات غیرقضایی و فاقد اختیار در این زمینه می باشد که تخلف از قانون و موجب مسؤولیت خواهد بود.

## نشست قضایی

برگزار شده توسط: استان سازمان قضائی نیروهای مسلح / شهر بوشهر

تاریخ برگزاری: ۱۴۰۳/۰۲/۰۳

آیا اعمال ماده ۱۴ دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان ها، اعطای مرخصی به محکومینی که کمتر از چهار ماه از محکومیت حبس آنان باقی مانده به تشخیص قاضی اجرای احکام با رعایت قوانین و مقررات در حال حاضر محاکم قابلیت اجرایی دارد؟

نظر هیئت عالی

با توجه به تصریح قسمت ذیل ماده ۱۴ دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان ها، اعطای مرخصی موضوع این ماده «در چارچوب قوانین و مقررات» میسر است.

نظر اتفاقی

ماده ۱۴ دستورالعمل اشعار می دارد اعطای مرخصی به زندانیان با اخذ تأمین های کیفری، موضوع ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری به عمل می آید. زندانیان محکوم به حبس از بابت جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، افرادی که باقی مانده محکومیت آنان کمتر از چهار ماه است و همچنین افرادی که نسبت به بازگشت آنان به زندان اطمینان حاصل است، به تشخیص قاضی اجرای احکام با صدور یکی

از قرارهای تأمین کیفری موضوع بندهای الف، ب، پ، ت، ث، ج و چ ماده مذکور، در چارچوب قوانین و مقررات به مرخصی اعزام می‌شوند. قسمت اخیر ماده اشاره به این دارد که در چارچوب قوانین و مقررات به مرخصی اعزام گردند منظور از قوانین و مقررات به نظر می‌رسد که به ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره دارد و همچنین ماده ۲۰۲ آیین نامه سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور قابلیت اجرایی دارد به نظر می‌رسد با توجه به اینکه مواد مربوط به مرخصی زندانیان در آیین نامه سازمان زندانها اصلاحی سال ۱۴۰۰ می‌باشد ملاک ماده ۵۲۰ و ذیل آن و مواد مربوط به اعطای مرخصی در آیین نامه سازمان زندانها می‌باشد.

**برگزار شده توسط: سازمان قضائی نیروهای مسلح / استان خراسان جنوبی**

**تاریخ برگزاری: ۱۴۰۲/۰۹/۰۶**

آیا دلایل توجه اتهام در مرحله تفهیم اتهام و صدور قرار جلب به دادرسی متفاوت است؟ به عنوان مثال شخصی مدعی گردیده است احدی از مامورین به وی توهین نموده و در خصوص ادعای خود یک شاهد معرفی نموده و مشتکی عنه منکر موضوع می‌باشد. با توجه به اینکه مطابق ماده ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی نصاب شهادت در کلیه جرائم دو شاهد مرد است قاعدتاً در اینجا امکان صدور قرار جلب به دادرسی وجود ندارد اما آیا با وجود یک شاهد می‌توان مشتکی عنه را به عنوان متهم احضار و جهت بررسی سایر قرائن و امارات و کسب دلیل اظهارات وی را اخذ نمود؟

نظر هیئت عالی

در فقه و نظام حقوقی دارای مفهوم روشن و مشخصی است از واژه دلیل مقنن در بخش های مختلف قوانین نام برده است که حسب مورد مفهوم آن مشخص می‌شود. منظور از دلایل در ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی صرفاً دلیل یا دلایلی است که دلالت بر توجه اتهام به متهم جهت احضار یا جلب وی داشته باشد. منظور از دلیل در ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری که متعاقب احضار یا جلب متهم است دلیلی است که دلالت بر بقا توجه اتهام به متهم داشته باشد و منظور از دلیل

در مواد قانون دیگر اعم از مواد ۲۵۰-۲۶۵-۳۷۴ و ... متضمن مفهوم دیگری است در نتیجه دلیل لازم برای احضار متهم الزاماً به معنای دلیل لازم برای احراز بزهکاری متهم نیست؛ به عبارت دیگر، درجه ارزش گذاری و ارزیابی ادله در مراحل مختلف دادرسی کیفری متفاوت است.

#### نظر اکثریت

دلایل توجه اتهام به متهم برای تفهیم اتهام که در ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری به آن اشاره گردیده است با دلایل اثبات جرم متفاوت می‌باشد و اینکه در چه مواردی امکان احضار متهم وجود دارد منوط به تشخیص مقام قضایی است و در واقع احضار متهم باید مستند به قرائن و ادله‌ای باشد که بر تشخیص مقام قضایی برای احضار متهم کافی است.

#### نظر ابرازی

در ماده ۱۶۸ قانون دادرسی کیفری صراحتاً قید گردیده بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام کسی را به عنوان متهم احضار یا جلب کند و دلایل توجه اتهام همان دلایل اثبات جرم می‌باشد و در هیچ جای قانون تفکیکی بین دلایل توجه اتهام و دلایل اثبات جرم ملاحظه نمی‌شود و اساساً احضار مشتکی عنه به عنوان متهم تا قبل از وجود دلایل کافی برای اثبات جرم و به منظور کسب دلیل برای اثبات جرم خلاف قانون می‌باشد.

### دادگستری استان خراسان جنوبی / شهر بیرجند

تاریخ برگزاری: ۱۳۹۷/۱۰/۱۷

چنانچه فردی مرتکب بزه‌ای گردد و در راستای ادله موجود، تفهیم اتهام و صدور قرار تأمین کیفری، کفالت یا وثیقه و صدور قرار قبولی صورت گرفته باشد و در جری تحقیقات بزه جدیدی کشف شود و متهم به هر نحو حاضر، لیکن مقام تحقیق ضمن تفهیم بزه جدید، تأمین سابق صدور را مکفی بداند آیا می‌بایست کفیل یا وثیقه‌گذار مجدد، احضار و موضوع به ایشان تفهیم و موافقت آنها اخذ شود.

### نظر هیئت عالی

موضوع عقد کفالت (اعم از اخذ کفیل یا تودیع وثیقه) تعهد کفیل برای احضار شخص ثالثی در مقابل مرجع قضایی است (ماده ۷۳۴ قانون مدنی) و در ما نحن فیه چون کفالت مقید به اتهامات خاصی است؛ در صورت کشف جرم جدید و تفهیم اتهام جدید و نیاز به صدور قرار کفالت با این مورد نیز باید موافقت و اخذ تعهد کفیل جلب شود.

### نظر اکثریت

هر چند قرار تأمین کیفری کافی است ولی با ارتکاب بزه جدید باید مراتب صورتمجلس و یا قرار تأمین سابق اصلاح و اتهام جدید در آن درج شود که بزه بدون تأمین نماند و موافقت کفیل و وثیقه‌گذار شرط است و مفاد ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ گویای آن است ضمانت در مورد بزه خاصی است که به ضامن تفهیم شده است و در مورد بزه جدید، تکلیف است مراتب به اطلاع وی برسد و موافقت اخذ شود.

### نظر اقلیت

نیازی به موافقت مجدد کفیل یا وثیقه‌گذار نمی‌باشد چرا که قرار تأمین تشدید نمی‌شود و مکفی دانسته شده است و در راستای ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری قرار تأمین کیفری به منظور دسترسی به متهم می‌باشد و نباید محدود به بزه خاص کرد.

### دادگستری استان خراسان جنوبی / شهر بیرجند

تاریخ برگزاری: ۱۳۹۷/۱۱/۰۸

چنانچه درخصوص متهم، قرار تأمین کیفری صادر شود و در جریان تحقیقات بزه‌های جدید منتسب به وی کشف شود. آیا می‌توان قبل از تفهیم اتهام بزه‌های جدید، نسبت به تشدید قرار تأمین کیفری اقدام نمود؟

### نظر هیئت عالی

تشدید قرار تأمین بدون تفهیم اتهام بزه مکشوف جدید موجه نیست، لهذا توجهاً به اطلاق مادتين ۲۱۷ و ۲۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری نظریه اکثریت قضات محترم صائب است.

#### نظر اکثریت

نمی‌توان به صرف کشف بزه جدید و بدون تفهیم اتهام قرار تأمین را تشدید کرد. برای تشدید قرار نیاز است مبنای آن شناخته شود و صرف کشف بزه به عنوان مبنا شناخته نمی‌شود چرا که ممکن است در مقام تحقیق از وی، ادله در راستای برائت خود ارائه نماید.

#### نظر اقلیت

با توجه به مواد ۲۴۳ و ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری امکان تشدید بدون تفهیم اتهام وجود دارد و هدف از این اقدام جلوگیری از فرار متهم می‌باشد چرا که قرار فعلی با توجه به شرایط و بزه‌های جدید نامتناسب است لذا منعی وجود ندارد.

### دادگستری استان کرمان / شهر زرنند

#### تاریخ برگزاری: ۱۳۹۷/۰۷/۲۳

چنانچه پس از حضور متهم و اخذ قرار تأمین کیفری از وی و آزاد شدن متهم، به حضور مجدد وی نیاز باشد به چه طریق می‌توان متهم را حاضر نمود آیا بایستی وی را مجدداً احضار نمود و در صورت عدم حضور جلب شود و یا اینکه می‌بایست از طریق ضامن یا وثیقه‌گذار وی را حاضر نمود.

#### نظر هیئت عالی

نظریه شماره ۲۱۳۴-۹۷/۲۱۳۴-۷ اداره حقوقی قوه قضاییه به شرح: "اولاً مستفاد از مواد قانونی مربوط به قرارهای تأمین کیفری مذکور در فصل هفتم قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ از جمله مواد ۲۱۷ و ۲۳۰ آن، علی‌الاصول نتیجه عدم حضور متهمی که دارای کفیل یا وثیقه‌گذار است، اخطار به کفیل یا وثیقه‌گذار جهت تحویل وی ظرف مهلت قانونی است؛ تصریح مقنن به امکان صدور دستور

جلب همزمان محکوم علیه در ماده ۵۰۰ این قانون که ناظر به محکوم علیه است و نیز تصریح ماده ۳۴۵ به امکان جلب متهمی که در جلسه دادگاه حاضر نشده است، مشروط به قید علت ضرورت حضور در احضاریه، نشان دهنده اعتقاد مقنن به اصل مذکور و لزوم تصریح به استثناهای یاد شده است. بنابراین در صورتی که متهم دارای کفیل یا وثیقه‌گذار است و به رغم احضار در دادسرا حاضر نشود باید به کفیل یا وثیقه‌گذار اخطار شود تا وی را ظرف مهلت مقرر قانونی تحویل نماید. با این حال اصل سرعت در انجام تحقیقات مقدماتی و ملاک ماده ۳۴۵ قانون فوق‌الذکر ایجاب می‌نماید، هرگاه بازپرس حضور متهم را در روز و ساعت معین لازم بداند و یا به علت دیگری تأخیر در حضور وی را منافی انجام سریع تحقیقات یا موجب اختلال در روند آن بداند، با قید این ضرورت و نتیجه عدم حضور جلب خواهد بود. علاوه بر اخطار به کفیل یا وثیقه‌گذار می‌تواند دستور جلب متهم را نیز همزمان صادر کند ولی صرف اظهار کفیل یا وثیقه‌گذار دایر بر ناتوانی در معرفی متهم با توجه به اینکه اساساً هدف از قبول کفالت یا وثیقه، معرفی متهم از سوی کفیل یا وثیقه‌گذار بوده است، موجب ایجاد تکلیف برای مقام قضایی برای صدور دستور جلب متهم نمی‌گردد. ثانیاً استثنایی بودن تسلیم برگ جلب سیار به شاکی خصوصی، ایجاب می‌کند که در اجرای ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و تبصره‌های آن در حد عبارات و نص قانون رفتار شود، زیرا از حکم استثنایی نمی‌توان اتخاذ ملاک نمود. بنابراین تسلیم برگ جلب سیار به کفیل یا وثیقه‌گذار فاقد وجهت قانونی است." مورد تأیید اعضای هیأت عالی نشست‌های قضایی است بالنتیجه نظریه اکثریت در حد مذکور تأیید می‌گردد.

#### نظر اکثریت

در فرض سوال بایستی قائل به تفکیک گردید در صورت نسبت دادن اتهام جدید به متهم می‌بایست مجدداً متهم را احضار نمود و در صورت عدم حضور جلب شود و احضار وی از طریق ضامن میسر نمی‌باشد اما در صورتی که قرار تأمین متناسب نباشد و ضرورت تشدید قرار تأمین کیفری باشد می‌توان نامبرده را هم از طریق

ضامن احضار نمود و هم اینکه وی را احضار کنیم و در صورت عدم حضور جلب نماییم و در جرایمی که امکان جلب بدوی وجود دارد می‌توان بدوا متهم را جلب نمود.

#### نظر اقلیت

در فرض سوال بایستی قائل به تفکیک گردید در صورت نسبت اتهام جدید به متهم می‌بایست مجدداً متهم را احضار نمود و در صورت عدم حضور باید جلب شود و احضار وی از طریق ضامن میسر نمی‌باشد اما در صورتی که قرار تامین متناسب نباشد و ضرورت تشدید قرار تامین کیفری باشد می‌بایست فقط از طریق ضامن وی را احضار نمود و در صورت عدم حضور وی بایستی احضار و سپس جلب گردد زیرا فلسفه صدور قرار تامین در خصوص یک اتهام برای متهم، حفظ آزادی وی و تأمین حقوق او می‌باشد.

#### دادگستری استان کرمان / شهر کرمان

#### تاریخ برگزاری: ۱۳۹۷/۰۷/۱۶

مستند به تبصره ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری که اشاره شده در مواردی که بیمه نامه با مبلغ کافی وجود دارد، به عنوان وثیقه در قرار تامین لحاظ می‌شود، در مواردی در قرارداد خصوصی بیمه گر و بیمه گذار اشاره شده در خصوص رانندگان با تخلفات حادثه ساز پرداخت ۵/۲ درصد از دیه بر عهده شخص راننده متهم می‌باشد و بیمه نامه نمی‌تواند به عنوان وثیقه لحاظ شود. آیا چنین امری که در استعلام اصالت بیمه نامه ذکر شده است در صدور قرار تامین کیفری در جهت رعایت حقوق بزه دیده باید منظور شود یا خیر؟

#### نظر هیئت عالی

شرط مرقوم در سؤال با توجه به نهی مقتن در ماده ۱۱ قانون بیمه اجباری خسارت وارده به اشخاص ثالث باطل است بالنتیجه مستند به تبصره ۳ ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری بدون لحاظ شرط مذکور نیازی به صدور قرار